

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: مقدار آب مصرفی برای وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

تاریخ: ۲۱ مهر ۱۳۹۷

مصادف با: ۳ صفر ۱۴۴۰

جلسه: ۱۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۳۵ بود. عرض شد که در مسأله مذکور، سه فرع متصور است؛ فرع اول، اینکه اسراف کردن در آب وضو مکروه است؛ فرع دوم، اینکه إسباغ [یعنی شاداب کردن و پر آب کردن صورت و دست‌ها در هنگام وضو گرفتن]، مستحب است و فرع سوم، اینکه مستحب است که آب وضو به مقدار یک مُد باشد و آن مُد برای همه افعال و مقدمات وضو مصرف شود. فرع اول در جلسه گذشته بررسی شد.

بررسی فرع دوم

نسبت به استحباب إسباغ، خلاقی نیست و نصوص متواتره‌ای در رابطه با اینکه در وضو رعایت إسباغ مستحب است، موجودند که روایت ذیل از جمله آن روایات است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع)؛ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): "مَنْ أَسْبَغَ وَضُوءَهُ وَ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ وَ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ كَفَّ غَضَبَهُ وَ سَجَنَ لِسَانَهُ وَ اسْتَغْفَرَ لِدُنْبِهِ وَ أَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مُفْتَحَةٌ لَهُ"»^۱.

بررسی فرع سوم

در رابطه با استحباب به مقدار یک مُد بودن آب وضو به روایات ذیل استناد شده است:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَتَوَضَّأُ بِمُدٍّ وَ يَغْتَسِلُ بِصَاعٍ وَ الْمُدُّ رِطْلٌ وَ نِصْفٌ وَ الصَّاعُ سِتَّةُ أَرْطَالٍ»^۲.

روایت دوم: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُمَا سَمِعَاهُ يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَغْتَسِلُ بِصَاعٍ مِنْ مَاءٍ وَ يَتَوَضَّأُ بِمُدٍّ مِنْ مَاءٍ»^۳.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که مفهوم مد خیلی دقیق نیست^۴؛ هرچند که اکنون در رساله‌های عملیه گفته‌اند که مد به مقدار ۷۵۰ گرم است.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۵۴، ص ۴۸۷، ح ۲.

۲. همان، باب ۵۰، ص ۴۸۱، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

۴. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۳۷.

شیخ بهایی (ره) در کتاب حبل المتین نوشته است که مُد عبارت از ربع مَن تبریزی کوچک است و آن مَن تبریزی عبارت از ۶۴۰ مثقال است و بنابراین، مُد به مقدار ۱۵۰ مثقال است.

یک سری روایات بیانیه از کیفیت وضوی پیامبر (ص) حکایت دارند و یک سری روایات نیز بر استحباب به مقدار یک مُد بودن آب مصرفی برای وضو دلالت دارند و بین این دو دسته از روایات کمی ناسازگاری است؛ به این نحو که در وضوآت بیانیه مثلاً آمده است که پیامبر (ص) یک کف از آب برداشت و بر صورت ریخت و آن را شست و سپس برای بار دوم کفی از آب برداشت و با آن دست راستش را شست و سپس یک مُشت دیگر آب برداشت و با آن دست چپش را شست. این مقدار از مصرف آب [یعنی سه کف آب برداشتن]، به آنچه در روایات به عنوان مُد مطرح شده است یا به قول شیخ بهایی (ره) به مقدار ربع مَن تبریزی، نمی‌رسد.

جمع بین دو دسته روایات مذکور، به این نحو است که روایات بیانیه‌ی کیفیت وضوی پیامبر (ص) بر مقدار وجوبی وضو دلالت دارند و اگر مقدار مستحب را نیز شامل شوند، مقدار خیلی کمی از مستحب را دلالت خواهند کرد چون اهل بیت (ع) در وضوآت بیانیه در صدد تعریض به مخالفین بوده‌اند که مخالفین که می‌گفته‌اند که پیامبر (ص) به صورت منکوس [بر عکس] وضو می‌گرفته و به جای مسح، پاهای خود را می‌شسته است، سخنان صحیح نیست، بلکه وضوی پیامبر (ص) به این نحو بوده است که در هنگام وضو، صورت خود را با یک کف آب می‌شسته و هر کدام از دست راست و دست چپ را نیز با یک کف آب می‌شسته است و اضافاتی که در کلام مخالفین، مبنی بر شستن پاها، آمده است، در وضوی پیامبر (ص) نبوده است. پس بیان وضوی پیامبر (ره) هم بیان مقدار واجب وضو و هم تعریض به مخالفین بوده است. اما اخبار وارد شده در مقام بیان مقدار آب برای شستن که مستحب است که آن به مقدار مُد باشد، بر اعم از موارد وجوب و استحباب حمل می‌شود و مختص مقدار واجب نیست، یعنی مقدار مُد شامل مقدار واجب و مستحب شستن می‌شود؛ به این معنی که نخست دستها شسته شود، سپس آب در دهان مضمضه شود و بعد از آن آب در بینی استنشاق شود و سپس هر کدام از صورت و دستها، دو بار شسته شوند لذا اگر مقدار مستحب از شستن نیز به مقدار واجب از وضو ضمیمه شود، حدوداً سیزده تا چهارده کف آب لازم است تا همه آن مستحبات نیز رعایت شود که در این صورت، ممکن است که آب مصرف شده، با مقدار مُد که در روایات آمده است، سازگار باشد.

مسئله ۵۳۶: «يجوز الوضوء برمس الأعضاء كما مرّ ويجوز برمس أحدها وإتيان البقية على المتعارف، بل يجوز التبعض في غسل عضو واحد مع مراعاة الشروط المتقدمّة؛ من البدأة بالأعلى و عدم كون المسح بماء جديد و غيرهما»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، وضو گرفتنِ ارتماسی [به این نحو که اعضای وضو در آب فرو برده شوند]، جایز است و جایز است که یک عضو از اعضای وضو به نحو ارتماسی شسته شود و بقیه اعضا به نحو متعارف و به نحو ترتیبی شسته شود، بلکه تبعض در شستن یک عضو با رعایت شروط متقدم، از شروع شستن از بالا و عدم مسح با آب جدید و غیره، جایز است [؛ به این معنی که مکلف قسمتی از یک عضو را به صورت ارتماسی و قسمت دیگر را به صورت ترتیبی بشوید؛ به عنوان مثال، وضو گیرنده آرنج دست را در آب فرو برد و بقیه دست را به شکل ترتیبی بشوید].

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۸.

دلیل حکم مذکور، اطلاقات است. اطلاق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱، بر این دلالت دارد که وضوی ارتماسی نیز جایز است و لازم نیست که حتماً وضو به نحو متعارف و ترتیبی گرفته شود. بنابراین، وضوی ارتماسی نیز مجزی است؛ چه همه اعضایی که باید شسته شوند به نحو ارتماسی شسته شوند و چه بعضی از اعضا به نحو ارتماسی و بعضی دیگر به نحو ترتیبی شسته شوند و چه وضو گیرنده بخشی از یک عضو را به صورت ارتماسی و بخش دیگر را به صورت ترتیبی بشوید.

ان قلت: وضوئات بیانیه که از کیفیت وضوی پیامبر (ص) حکایت دارند بر وضوی ترتیبی دلالت دارند. پس وضوی ارتماسی جایز نیست.

قلت: وضوئات بیانیه از باب غلبه وجودی در خارجند، یعنی وضوء در خارج معمولاً به نحو ترتیبی واقع می‌شود، لکن این غلبه وجودی موجب انصراف نمی‌شود تا گفته شود که وضو منحصر به وضوی ترتیبی است و وضوی ارتماسی صحیح نیست، بلکه اطلاق به قوت خود باقی است و وضوی ارتماسی را نیز شامل می‌شود.

مسأله ۵۳۷: «يشكل صحة وضوء الوسواسي إذا زاد في غسل اليسرى من اليمين في الماء من جهة لزوم المسح بالماء الجديد في بعض الأوقات، بل إن قلنا بلزوم كون المسح ببيلة الكف دون رطوبة سائر الأعضاء يجيء الإشكال في مبالغة في إمرار اليد لأنه يوجب مزج رطوبة الكف برطوبة الذراع»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، صحت وضوی وسواسی، در صورتی که در شستن دست چپ زیاده‌روی کند [، یعنی زیاد بر آن آب بریزد] مشکل است زیرا در بعضی مواقع [، مثلاً در صورتی که برای مرتبه سوم دست چپ خود را بشوید]، مسح با آب جدید لازم می‌آید، بلکه اگر به لزوم مسح به وسیله رطوبت آب کف دست، قائل باشیم و مسح با رطوبت سایر اجزاء وضو را کافی ندانیم، اشکال از ناحیه مبالغه در کشیدن دست پیش می‌آید زیرا کشیدن بیش از حد موجب مخلوط شدن رطوبت کف دست با رطوبت ذراع می‌شود و مسح دچار مشکل می‌شود [زیرا در این صورت، مسح با رطوبت کف دست صدق نمی‌کند، بلکه رطوبت ذراع نیز با رطوبت کف دست مخلوط شده است].

پس به نظر مرحوم سید (ره)، وضوی وسواسی صحیح نیست زیرا از دو جهت اشکال پیش می‌آید؛ اول، اینکه در بعضی مواقع، مسح به وسیله آب جدید لازم می‌آید و آن زمانی است که شخص وسواسی سه بار دست چپ خود را بشوید و دوم، در صورتی است که مبنا این باشد که مسح حتماً باید به وسیله رطوبت کف دست انجام شود که در صورتی که شخص به واسطه وسواس، بیش از حد بر دست خود دست بکشد، امتزاج رطوبت کف دست با رطوبت ذراع پدید می‌آید لذا مسح صورت گرفته، مسح با رطوبت کف دست به تنهایی نبوده است، بلکه مسح با رطوبت کف دستی که با رطوبت ذراع مخلوط شده است، انجام شده است لذا مسح دچار مشکل می‌شود و وضو باطل است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. «المائدة»: ۶.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۸.